

گفت و گو



بنگاه‌تر جمه‌ونشر کتاب‌پارسه،به‌تازگی، کتاب «نیکسون، کیسینجر وشاه» را روانهٔ بازار نشر کرده‌است. کتابی به‌قلم رام آلوندی، دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی لندن و مدیر گروه دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی لندن در کلمبیا؛وآلیفانت بسیاری دربار تاریخ روابط خارجی ایران داشته‌وپژوهش‌های جاری‌وی بر فعالیت‌های حقوق بشر جهانی وریشه‌های انقلاب در سال ۱۳۵۷ م‌مترکز است. کتاب «نیکسون، کیسینجر وشاه» را غلام‌رضا علی بابایی ترجمه کرده‌است. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، علی بابایی در کارنامه خود تالیف و ترجمه کتاب‌های فراوانی هم‌چون «فرهنگ علوم سیاسی»، «فرهنگ روابط بین الملل»، «تاریخ ارتش ایران»، «تاریخ نیروی هوایی ایران»، «ارتش و حکومت پهلوی» و… دارد. آنچه در پی می‌آید، گفت‌وگویی با او دربارهٔ محتوای کتاب و اهمیت آن در بررسی تاریخ روابط ایران و آمریکااست.

دلایل انتخاب کتاب «نیکسون، کیسینجر و شاه» برای ترجمه‌چوب‌ود چه‌عاملی شمارا برای ترجمه این کتاب ترغیب کرد؟

از جمله دلایل انتخاب کتاب، بر گزیده شدن آن توسط روزنامه معتبر فاینشیشال تایمز لندن در میان کتاب‌های تاریخی بوده‌است. دلیل بعدی، طیف بسیار گسترده‌منابع و مآخذی بود که نویسنده آن، یعنی دکتر هام‌آلوندی، در نگارش آن استفاده کرده‌بود. برای نمونه‌وی در فصل سوم ۱۹۱۹ منبع سود برده‌است. وی از منابع دست اول، هم چون مصاحبه‌های بسیار با دست‌اندر کاران و مجریان آن سیاست و نیز اسناد محرمانه‌ای که از آرشیوهای گوناگون خارج شده، استفاده کرده‌است.

د کترین سیاسی نیکسون در چه‌زمانی مطلع نظر قرار گرفت‌واصول آن چه‌بود؟

نیکسون سی و هفتمین رئیس‌جمهور ایالات متحده بود و در جزیره گوام تصمیم گرفت تا در سال ۱۹۶۹، سیاست جدیدی در رابطه با کشورهای جهان سوم انتخاب کند و از جنگیدن به نفع یک رژیم، به تأمین تدارکات و آموزش گسترده به آن تغییر سیاست دهد. برقراری روابط ویژه با کشورهای کلیدی جهان سوم در فکر کردن آن‌ها در عملیات نیکسون بود. در این راستا، اساس نقش منطقه‌ای دکترین نیکسون بود. رئیس‌ان این دکترین عبارت بود از: ۱. در هم زدن تعادل نظامی به زیان فشارهای ناسیونالیست‌های ایدئال در خلیج فارس؛ ۲. سرکوب شورش طغیان؛ ۳. مبارزه با نیروهای جدایی طلب باکستان در بلوچستان؛ ۴. کمک به سומالی در جنگ با انبویبی. این عملیات با بخشی از توان رزمی ارتش پهلوی را به نمایش گذاشت.

اوج مشارکت نظام پهلوی در د کترین نیکسون در چه‌مقطعی بود؟

پس از آن که نیکسون و کیسینجر و شوروی و ملاقات تاریخی خود با برژنف در ۱۳۵۱ به تهران آمدند، ایالات متحده سعی بر آن داشت که پای ایران را به استراتژی جهانی آمریکا، در مهار کمونیسم جهانی، باز کند. از این رو، سیل جنگ افزارهای مدرن آمریکا، از جمله جت‌های جنگنده اف-۴ فانتوم و اف-۵ تایگر و در پی آن شکاری‌های تامکت اف-۱۴ را به زرادخانه نیروی هوایی ایران سرازیر کرد. اعاده حاکمیت ایران در اردنود که با عبور کشتی این سینا صورت گرفت و نیز تجدید حاکمیت بر جزایر سه گانه در خلیج فارس باعث شد تا عراق و شوروی در رأس حرکتهای تهاجمی در اوگاه سوسیالیسم، یک حرکت گارتزیری را برای پهن کردن حاکمیت سوسیالیستی در منطقه خلیج فارس آغاز کنند. این حرکت که در پی ریزش و سقوط ایران پنهان نبود، باعث شد تا با استفاده از کردهای عراق و کمک سی‌ای‌ی، جنگی فرسایشی را به ارتش عراق تحمیل کند و سرانجام آن را به پای میز مذاکره و در نهایت به امضای توافق ۱۹۷۵ الجزیره بکشاند. به رغم پنهانی بودن کمک‌های سی‌ای‌ای و عملیات ارتش ایران، این تحرکات ختم محافل دموکرات آمریکا را به شدت علیه جمهوری خواهان و در نهایت، خود شاه، برانگیخت و تصویر نامناسبی را از شاه در داخل آمریکا به وجود آورد.

این تصویر چگونه‌بود؟

اگرچه نیکسون توانست تصویر شاه را از یک رهبر فردوست به یک شریک مطمئن تبدیل کند ولی در اواخر دهه ۱۹۷۰ تصویر وی تا حد دیکتاتوری مبتلا به جنون و خودبزرگ بینی تنزل پیدا کرد. چهره شاه به مراتب پیچیده‌تر از کاریکاتورهایی بود که منتقدانش از وی ترسیم می‌کردند. اقتصاد حکومت شاه دچار اسراف کاری شده بود و در زمینه سیاسی نیز، علیرضا احراب‌انصحر و حزب رستاخیز را جایگزین کرده بود. قدرت شاه در داخل نامحدود بود، ولی در نظام بین‌الملل از محدودیت‌هایی برخوردار بود که به آن احترام می‌گذاشت. اشتباه‌های شاه، مانند پیروزی هایش، خودش ناشی می‌شد، که وی «یادداشت‌های آمریکا، آنیا نیکسون و کیسینجر می‌توانستند او را وادار به انجام اصلاحات واقعی معناداری بکنند؟ به نظر نمی‌رسد که آن‌ها می‌توانستند موفق‌تر از کندی و یارانش باشند. تپوایل روابط دو کشور، چنان دستخوش بائشند و پویا شده بود که خدشه دار شدن شدید حاکمیت ایران غیر قابل تصور به نظر می‌رسید. شاه گرفتار تضاد نقشی شد که سرانجام او را پای در آورَد. «انقلاب سفید» توانست عموم مردم را قانع کند که وی «یادداشت‌های منجمد» است. یکی از سناتورهای ایرانی، سال‌ها پیش گفته بود: «علیحضرت همایونی می‌خواهند هم خیابان‌ها شا باشند و هم لیدل کاسترو؛ ما این غیر ممکن است.»

روایاتی نه‌نهایی شما از کتاب به عنوان مترجم آن چیست؟
به نظر من، نویسنده کتاب «نیکسون، کیسینجر و شاه» توانسته‌است کالبدشکافی دقیقی از روابط چندین و چند ساله ایالات متحده و ایران، از دوران جنگ سرد تا به امروز، ارائه دهد و در انجام این مهم بسیار موفق بوده‌است.

تاریخ

روایتی از چگونگی وقوع کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹

انگلیسی‌ها، رضاخان و کودتای سیاه

جواد نوائیان رودسری

info@khorasannews.com

کودتای سوم اسفندماه ۱۲۹۹ باعث تغییرات عمده‌ای در ایران شد. این کودتا مقدمه‌ای برای قدرت گرفتن رضاخان و در نهایت، رسیدن وی به مقام سلطنت بود؛ اتفاقی که تأثیرات عمیقی بر شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران بر جای گذاشت. اسناد، مدارک و خاطرات به جامانه از فعالان سیاسی آن دوران، تقریباً شکی در نقش انگلیسی‌ها در وقوع کودتای سوم اسفند باقی نمی‌گذارد. نگاهی به وقایع تاریخی و رویداد‌های سیاسی اجتماعی آن عصر، نشان می‌دهد که چرا و چگونه انگلیسی‌ها به تصمیم گرفتن تغییرات گسترده سیاسی و اجتماعی در ایران ایجاد کنند.

■ **اوضاع کشور در آستانه کودتا**

وضعیت کشور در ایران در پایان سال ۱۹۲۰م (۱۲۹۹ش) بسیار پیچیده و بحرانی بود. افزون بر حضور بیگانگان در شمال، جنوب و غرب کشور، آتش درگیری‌های متعدد، به علل سیاسی و اقتصادی، در اقصی نقاط کشور شعله‌ور بود. در عرصه سیاسی میان دموکرات‌ها، که رویکرد تند و تجدیدنظرطلبانه داشتند و اعتدالیون که در پی تغییر تدریجی واتوجه به‌سنت‌ها بودند، کشمکش دائمی‌وبی‌نتیجه‌اندامد داشت. وقوع انقلاب ۱۹۱۷م در روسیه‌وروی کارآمدن کمونیست‌ها، گراندهدوی موازنه‌قدرت در ایران را تحت تأثیر قرار داد. «ایرواند آبراهامیان» در کتاب «ایران، بین دواقلاب» می‌نویسد: «زمانی که امپراتوری تزاری سرنگون شد و نیروهای آن در آذربایجان از هم پاشید، سازمان‌های سیاسی دوباره بر سرآوردند. بنا براین، گفته‌وزیر مختار انگلیس، دموکرات‌ها دوباره در تهران جان گرفتند. اولین قدم انقلاب این بود که به‌فرقه‌قزاقی دموکرات در تهران اجازه داد تا بیشتر، قدرت پیشین خود را باز یابد. «فروپاشی روسیه تزاری، به گسترش برخی جنبش‌ها، مانند نهضت جنگل در گیلان نیز کمک‌شایانی کرد. آن‌ها پس از سال‌ها مبارزه با روس‌ها عواماushman می‌توانستند، برای مدتی، اهداف خود را در منطقه و حتی سراسر کشور پیگیری کنند. با این حال، وقوع انقلاب در روسیه همان قدر که بر تعاملات سیاسی میان احزاب و گروه‌های ایرانی تأثیرگذار بود، باعث جلب توجه انگلیسی‌ها و تلاش مضاعف آن‌ها برای کسب منافع بیشتر در ایران، هم شد. برخی مورخان، عدم موفقیت انگلیسی‌ها را در به دست آوردن امتیاز قرار داد ۱۹۱۹، عامل اصلی رویکرد جدید آن‌ها در قبال ایران می‌دانند. به گفته آبراهامیان: «مطابق این پیمان، انگلیس متعهد شده بود که‌وامی به‌مبلغ ۲ میلیون پوند در اختیار ایران بگذارد و دور

علی اکبر داور وزیر مالیه حکومت رضاخان در سال ۱۲۶۴ ه‍.ش در تهران متولد شد.

پدرش سال‌ها خازنه‌دار در بار قاجار بود.

علی اکبر، دروس مقدماتی زبان فارسی، عربی، حساب، تاریخ و جغرافیا را نزد معلمان خصوصی فراگرفت. به‌توصیه یکی از درباریان مظفرالدین شاه قاجار، در ۱۵ سالگی، برای تحصیل رشته پزشکی وارد مدرسه دارالفنون تهران شد. اما پس از چند سال، رشته پزشکی را رها کرد و به تحصیل علوم انسانی روی آورد. او در زمینه فلسفه، تاریخ، ادبیات و حقوق، مطالعاتی بسیار عمیق داشت. او پس از هشت سال، از مدرسه دارالفنون دانش آموخته شد. در این دوره، داور با زبان فرانسه هم آشنایی پیدا کرد. پس از آغاز نهضت مشروطیت، علی اکبر داور، در سنین جوانی، به عضویت حزب دموکرات درآمد و به‌ویژه در نشریات حزبی مطالب گوناگونی چاپ و منتشر کرد. در سال ۱۲۸۹ ه‍.ش به استخدام وزارت عدلیه درآمد و پلکان ترقی اداری را به سرعت در این وزارت خانه طی کرد. او به ریاست اداره اجرای احکام محضوب و پس از مدتی، به سمت دادستان تهران برگزیده شد. در این زمان، داور فقط ۲۵ سال داشت. در همان حال، با دیگر فعالیتش در نشریات و روزنامه‌ها ادامه داد و عضو هیئت تحریریه روزنامه رشد که مدیریت آن بر عهده سیدضیاءالدین طباطبایی بود، مدتی بعد، با کمک بازرگانی آذربایجانی به نام حاج ابراهیم آقاپناهی و برای ادامه تحصیل به سوئیس رفت و پس از حدود یازده سال، موفق به دریافت دکترای حقوق ازدانشگاه ژنو شد. در سال ۱۹۱۹ که موضوع عقد قرار داد فوق‌الدوله با انگلستان بر سر زبان‌ها افتاده بود، داور دانشجوی دوره دکتری حقوق «حزب ملی ایران» را در ژنو تأسیس کرد. به این ترتیب، نام داور به تدریج در محافل سیاسی و اجتماعی ایران بر سر زبان‌ها افتاد. با شنیدن خبر وقوع کودتای ۱۲۹۹ و ریاست‌الوزرای سیدضیاءالدین طباطبایی که از دوستان و همکاران سیاسی و مطبوعاتی سابق او بود، داور مشتاق بازگشت به کشور شد. وقتی او در خرداد سال ۱۳۰۰ به تهران رسید، اوضاع سیاسی تغییر کرده بود و سیدضیاء جای خود را در پست نخست‌وزیری به قوام‌السلطنه سپرده بود. اما داور به زودی به ملاقات رضاخان رفت و مورد توجه او قرار گرفت. پس از مدتی، با دختر میرزا محسن خان مشیرالدوله، که زنی بسیار ثروتمند بود، ازدواج کرد و در این خود عامل مهمی در پیشرفت سریع داور شد.

سپس، با کمک رضاخان و عوامل او، به عنوان نماینده ورامین وارد مجلس چهارم شد. در مدت زمان کوتاه، با گردانندگان و منتقدان مجلس، نظیر مؤتمن الملک، صمصام‌السلطنه، ارباب کیخسرو، نصرت‌الدوله فیروز، سردار معظم خراسانی (تیمور تاش)، حکیم الملک، بهاءالملک و مخبرالسلطنه دوستی نزدیکی به هم رساند.

■ **داور و تجدید ساختار قضایی کشور**

با آغاز سلطنت رضاخان و در کابینه فروغی به‌وزارت فوائد عامه و تجارت منصوب شد. مدت کوتاهی بعد و با اعمال نفوذ عوامل رضاخان، داور با دیگران حوزه انتخابیه لاو راورد مجلس شورای ملی دوره ششم شد و به‌ویژه در مخالفت با آیتا... سید حسن مدرس، نامدارترین نماینده دوره ششم، از هیچ تلاشی قوت نبرد. در این دوره، با دختر میرزا حسن داور در واپسین ماه‌های سال ۱۳۰۵ ه‍.ش، انتصاب به مقام وزارت عدلیه در کابینه میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک بود. داور به سرعت در تشکیلات اداری، مدیریتی و قضایی وزارت عدلیه تسلط یافت و جدی و ساختاری ایجاد کرد و با اختیارات تامی که از دولت و حکومت کسب کرد و حمایتی

ایجاد راه‌آهن، تجدید نظر در تعرفه‌ها و گردآوری غرامت جنگی از اشخاص ثالث به ایران کمک کند. در مقابل، ایران نیز واگذاری امتیاز انحصاری تأمین سلاح، آموزش نظامیان و مشاوران اداری را به انگلیس وعده داده بود. «با این حال، این موارد تمام مفاد قرار داد را تشکیل نمی‌داد. انگلیس خواستار کسب امتیازات نامحدودی بود که عملاً ایران را به مستعمره این کشور تبدیل می‌کرد. ظاهر امتن این قرار داد آن قدر با منافع ملی در تضاد بود که حتی انگلو فیلترین سیاستمداران ایران هم حاضر به تأیید آن نشدند. وقتی محتوای قرار داد در سطح بین‌المللی منتشر شد و به‌ورسای، محل برگزاری کنفرانس صلح رسید، خبرنگاری آمریکایی نوشت: «هنگامی که مفاد قرار داد برای همگان آشکار شد، دریافتند که قیمتی غیرممکن برای ایران پیدا شده و در واقع وسعت امپراتوری روسیه فرونی یافته‌است.» انگلیسی‌ها فقط نگران عدم پذیرش قرار داد از سوی مجلس شورای ملی نبودند. خطر بلشویک‌ها، که به تازگی قدرت را در روسیه بدست کرده بودند و شعارهایی مبتنی بر برابری، آزادی و دفاع از طبقه کارگر را در مناطق شمالی ایران، به‌خصوص آذربایجان و گیلان، منتشر می‌کردند، سبب وحشت انگلیسی‌ها از به‌خطر افتادن منافعتشان در ایران شده بود.

■ **رضاخان، فرمانده قزاق‌ها می‌شود**

«حسین مکی»، در کتاب «تاریخ ۲۰ ساله ایران» معتقد است چهار نفر برای انجام کودتا در نظر گرفته شده بودند: «سردار همايون»، «سالار جنگ»، «نصرت‌الدوله» و «سیدضیاءالدین طباطبایی یزدی». نیروی نظامی انجام این کودتا توسط انگلیسی‌ها تأمین شد. قزاق‌ها که پس از فروپاشی امپراتوری روسیه تزاری، عملاً فرماندهی منظمی نداشتند و در بلاتکلیفی و بحران مالی به سر می‌بردند، با حمایت مالی انگلیسی‌ها دوباره انتظام پیدا کردند. با این حال، فرماندهی قشون قزاق هنوز بر عهده یک سرهنگ روس به نام «استاروسلسکی» بود. «آیرون ساید» در خاطر انش، نحوه دور زدن «استاروسلسکی» و این که چگونه «احمدشاه» در نتیجه فعالیت جاسوسان انگلیسی به «استاروسلسکی» بدین شده و او را از کار برکنار کرده بود، شرح داده‌است. «آیرون ساید» تأکید می‌کند که او طرح و برنامه کودتا را برای «رضاخان» شرح داده و به او گفته‌است که «اقدام قهرآمیزی برای سرنگون کردن شاه صورت ندهد و به دیگران هم اجازه و امکان چنان اقدامی را ندهد ... «آیرون ساید» می‌افزاید: «[رضاخان] به من قول داد که به‌خواسته‌های من عمل کند.» با این شیوه، گام نخست برای محروم کردن «احمدشاه» از حمایت قشون قزاق برداشته شد. مجلس که ظاهراً اطلاعی از طرح «آیرون ساید» نداشت، «سردار

محمودلی خان تنکانی (۱۳۰۵-۱۲۲۵ ه‍.ش)



همايون» را به عنوان رئیس قشون قزاق تعیین کرد، اما او شانس چندانی برای موفقیت در اداره قشون نداشت. «سردار همايون» نظامی نبود و همین مسئله باعث نارضایتی قزاق‌ها می‌شد. «سرهنگ اسماعیل»، افسر انگلیسی، که پس از حمایت مالی انگلیس از قزاق‌ها به قشون آن‌ها پیوسته بود، زمینه را برای مرخصی طولانی «سردار همايون» فراهم کرد و در غیاب او، رضاخان که مورد حمایت کامل انگلیسی‌ها بود، به فرماندهی رسید. «آیرون ساید» در خاطراتش می‌نویسد: «بار رضاخان نقش و گویی داشتم- ۱۲ فوریه ۱۹۲۱ (۲۳ بهمن ۱۲۹۹)- و او را به فرماندهی مطلق قزاق‌های ایران گماردم ... در حضور اسماعیل گفت و شنودی طولانی با رضا داشتم.» با فرماندهی «رضاخان» بر قشون قزاق، مشکل نیروهای نظامی کودتا تا حدود زیادی رفع شد.

■ **کمیته‌زرگنده، مقرر هیران سیاسی کودتا**

همزمان با تجهیز «رضاخان» بهبر سیاسی کودتا نیز تعیین شد. ظاهر، انگلیسی‌ها، در میان ۴ نفری که «حسین مکی» از آن‌ها به عنوان نامزدهای اجرای بخش سیاسی کودتا نام می‌برد، «سیدضیاءالدین طباطبایی» را برگزیدند. از قرائن این گونه بر می‌آید که تا پیش از رسیدن قوای قزاق به تهران، میان «رضاخان» و «سیدضیاء» مذاکره‌ای درباره کودتا انجام نگرفته بود. «ایرواند آبراهامیان» در کتابش می‌نویسد: «رضاخان هنگامی که به تهران رسید با افسران ژنرال‌امری روزنامه نگار جوانی به نام سیدضیاء طباطبایی، به صورت پنهانی ملاقات می‌کند. سیدضیاء ... مورد اعتمادأمورین نظامی انگلیس بود، چون روزنامه «رعد» او در زمان جنگ از انگلیس پشتیبانی کرده بود.» «آبراهامیان» در کتابش، در عین حال توضیحی درباره «کمیته‌زرگنده» ارائه نمی‌کند؛ کمیته‌ای موسوم به «پاره فولاد» مرکب از «سیدضیاءالدین طباطبایی»، «محمودخان مدیرالملک (محمود جم)»، «مسعودخان سرهنگ (مسعود کیهان)»، «منوچهرخان طبیب»، «میرزا کریم خان کیلانی

«داور»؛ وزیری که با خوردن تریاک خودکشی کرد



از راست به چپ: علی منصور، محمد علی فروغی، داور و محمود جم در سوئیس

■ **داور مغضوب می‌شود**

او در دولت جدیدی که در سال ۱۳۱۲ ه‍.ش (پس از عزل مخبر السلطنه) و به ریاست محمدعلی فروغی تشکیل شده بود، در رأس وزارت دارایی قرار گرفت تا در غیاب تیمورتاش مغضوب و نصرت‌الدوله فیروز، در میان تمام دولتمردان رضاخان، نقش در چه اول را بر عهده بگیرد. با این حال، داور به رغم ابر نگرانی از سر نوشت خود، هنوز کماکان مورد لطف و عنایت دیکتاتور قرار داشت و حتی اجازه پیدا کرد با دوست سالیان طولانی گذشته اش، تیمورتاش، که به تازگی عزل و مغضوب شده بود، ملاقات کند. نصرت‌الدوله، که از سال ۱۳۰۹ ه‍.ش مغضوب و به اتهام اختلاس زندانی و متهم شده بود، به دستور رضاخان و با مدیریت و هدایت داور وزیر وقت عدلیه محاکمه شده و حکم محکومیت گرفته بود. تیمورتاش هم که علی‌الظاهر به اتهام ارتشا و در واقع به سوء ظن شاه به قدرتمنداری و گویا به اتهام ارتباط مشکوک با محافل وابسته به شوروی، و به‌پای محاکمه کشیده شده و زندانی شده بود، پرونده اتهامی اش در بهمن ۱۳۱۱ ه‍.ش در دوران حضور دوستش داور، در رأس وزارت عدلیه، تکمیل و به دادگاه سپرده شد. شاه از عملکرد نقی‌زاده در رأس وزارت مالیه (دارایی) رضایت نداشت، در کابینه محمدعلی فروغی که از ۲۱ شهریور ۱۳۱۲ کار خود را آغاز کرد، علی اکبر داور را جایگزین او کرد و از داور خواست به سرعت اصلاحات مورد نظر را در این وزارت‌خانه به انجام رساند. او به سرعت کار تغییر وتحولات در وزارت دارایی را آغاز کرد و به‌ویژه، با انتقال گروهی از همکارانش در وزارت عدلیه به وزارت خانه جدید، مشاغل مهم و حساسی را به آنان واگذار کرد. در این میان، اعلام ناگهانی مرگ تیمورتاش در زندان و سپس دستگیری و قتل فجیع سردار اسعد بختیاری (جعفر قلی‌خان)، وزیر جنگ رضاخان که سخت مورد توجه و لطفی بود، روحیه علی اکبر داور را به شدت پریشان کرد. داور با وجود دل‌پره‌ها و نگرانی‌های دائمی که دچارش شده بود، در رأس وزارت دارایی سخت‌فعال بود و به اصلاحات اقدامات مورد نظر رضاخان ادامه می‌داد. او در این مقام، در انحصار تجارت خارجی و در واقع سطره حکومت بر اقتصاد کشور، نقش قاطعانه‌ای ایفا کرد و در گسترش تجارت خارجی میان

مشهور به «سپه‌دار اعظم»، ملاک معروف منطقه گیلان و مازندران و سپس حکمران این منطقه بود. او ابتدا جزو طرفداران استبداد بود اما با تغییر شرایط، به دفاع از مشروطه پرداخت. محمودلی خان یکی از فاتحان تهران پس از استبداد صغیر بود. او دوره رئیس‌الوزرا شد. محمودلی خان از دشمنان قسم‌خورده نهضت جنگل بود وود تمام تلاش خود را برای نابودی آن به کار بست.

● ● ●

نکته تاریخی

چه می‌شد اگر هیتلر به نفت خاور میانه می‌رسید؟

آدولف هیتلر، رهبر آلمان نازی، از شخصیت‌هایی بود که تأثیر زیادی بر تاریخ دنیا گذاشت. بررسی آنچه هیتلر انجام داد و تبعات آن، هنوز هم بسیار مورد توجه قرار دارد و موضوع بحث‌ها و واکنش‌های مختلفی است. تاریخ‌نگاران زیادی نیز، سال‌ها دربارهٔ چه می‌شد اگر، ه‌های مربوط به هیتلر، گمانه‌زنی کرده‌اند: چه می‌شد اگر حزب نازی به رهبری هیتلر به قدرت نمی‌رسید؟ چه می‌شد اگر هیتلر در سال ۱۹۴۱ استراتژی‌اش را تغییر می‌داد؟ چه می‌شد اگر نیروهای متحدین (آلمان نازی، ایتالیا و ژاپن) در جنگ جهانی دوم پیروزی می‌شدند و آمریکا بعد از جنگ، تنها و هراس‌مانی ماند؛ یکی از مباحثی که کمتر در این باره به آن پرداخته شده، این است که اگر هیتلر به منابع نفتی خاور میانه دست پیدامی کرد، چه می‌شد؟ واقعیت این است که هیتلر به نفت نیاز زیادی داشت. در سال ۱۹۴۱ ماشین جنگی آلمان –تاکت‌ها، هواپیماها و وسایل نقلیه زمینی نازی‌ها– باید خود را برای فعالیتی بسیار گسترده در سال‌های بعد، آماده جنگ می‌کرد و وسایل نقلیه و وسایل جنگ، بیشتر می‌خواست به میدان‌های عظیم نفتی روسیه در دقت‌گستر داشته‌باشد و این یکی از دلایلی بود که در مازوئن به روس‌ها حمله کرد.

■ **عملیات فرضی**

اما چه می‌شد اگر هیتلر راهی کاملاً متفاوت را در پیش می‌گرفت؟ چه می‌شد اگر او ایده گسترش امپراتوری‌اش به سمت شرق را کنار می‌گذاشت و برای تداوم تغذیه ماشین جنگی‌اش، تنها روی به دست‌آوردن نفت، متمرکز می‌شد؟ عظیم‌ترین ذخایر نفتی دنیا در ایران، عراق و عربستان سعودی واقع شده‌اند و در بهار سال ۱۹۴۱ همه این سرزمین‌ها تحت نفوذ نیروهای متفقین بودند. در همین حال، در بهشتامبر سال ۱۹۴۰، ایتالیا تحت رهبری بنیتو موسولینی از لیبی به مصر (که در کنترل انگلیس بود) حمله کرده و مسیر حمله به یونان، ازین از طریق ایتالی، پیش گرفته بود. اما کمپین‌های جنگی موسولینی کاملاً موفقیت‌آمیز نبودند و هیتلر مجبور شد برای کمک در نیروهای خود در این مناطق، نیروهای نازی را نیز اعزام کند. این مسئله احتمالاً برای هیتلر در آن زمان در دسر ساز بود، اما او می‌توانست از اشغال یونان به عنوان سکوی پرتابی برای ماجراجویی‌های بیشتر در خاور میانه استفاده کند. اگر هیتلر همان تعداد لشکرهای اعزامی به شوروی را برای حمله به سوریه به ترکیه و بعد هم عراق به کار گرفته بود، احتمالی می‌توانست به تأسیسات نفتی در این مناطق دسترس پیدا کند و بخش زیادی از هیتلر مجبور حل می‌شد. هیتلر این کار را نکرد، اما اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد او این ایده را مورد تأمل قرار داده بود. هیتلر در واکنش به کوتاهی که در عراق علیه انگلیسی‌ها اتفاق افتاده بود، دستور العملی ارائه داد که ناظر بر حمایت از این کشور برای مهار کشورهای عربی بود. اما استفاده از این مسئله برای پیش برد عملیاتی گسترده‌تر و رسیدن به منابع نفتی در این کشور، ظاهراً کمتر مورد توجه هیتلر قرار داشت. جان کیگان –تاریخ‌نگار– در مقاله «نبار به خاورمیانه، ۱۹۴۱» این میان‌مضویت می‌کند که اگر هیتلر می‌خواست از طریق سوریه به عراق حمله کند، باید استراتژی پرش قور باغی‌ا را – که اتفاقات بعداً توسط آمریکا برای اشغال‌ز این استفاده شد– مورد توجه قرار می‌داد. طبق این استراتژی، کشور مهم پیش از حمله به مصر خود یک جزیره بود، اقیانوس را به صورت تدریجی و با حرکت در میان جزایر مختلف منتهی به آن طی می‌کرد. در این راستا هیتلر باید از طریق جزیره رودس (که متعلق به متحدش ایتالیا بود) به ششلی موفقیت‌آمیز به قبرس حمله می‌کرد و خود را در موقعیتی مناسب برای حمله به سوریه از طریق دریایی به زمینی قرار می‌داد. در عین حال، تعداد نیروهای فرانسوی حاضر در سوریه و لبنان، آن زمان، زیاد نبود و آن‌ها از حمایت هوایی و تجهیزات تانکر برای باز کردن نبودند و می‌شد خسارت به مقابله با نیروهای هیتلر نباشند. هیتلر می‌توانست از این ضعف استفاده کند، اما مشکل بزرگی در این برنامه وجود داشت: نازی‌ها باید کشتی‌های زیادی را برای جابه‌جای کردن نیرو در مناطق وسیع‌اندو این قوی بریتانیایی بود. اما اگر هیتلر نمی‌توانست کشتی‌ونیروی دریایی به این منطقه اعزام کند، راه‌حل دیگری پیش‌رویش بود. او باید راهش را از ترکیه – که اعلام بی‌طرفی کرده بود– می‌شد خسارت به مقابله با نیروهای هیتلر نباشند.

بزرگی در این برنامه وجود داشت: نازی‌ها باید کشتی‌های زیادی را برای جابه‌جای کردن نیرو در مناطق وسیع‌اندو این قوی بریتانیایی بود. اما اگر هیتلر نمی‌توانست کشتی‌ونیروی دریایی به این منطقه اعزام کند، راه‌حل دیگری پیش‌رویش بود. او باید راهش را از ترکیه – که اعلام بی‌طرفی کرده بود– می‌شد خسارت به مقابله با نیروهای هیتلر نباشند.



جناب آقای دکتر سید عباس رضوانی

موفقیت شما را در

کانون وکلای دادگستری خراسان

صمیمانه تبریک عرض نموده و سرپلندی و توفیقات روز افزون شما را آرزو مندیم .

پدر، مادر

مهندس سید کمال رضوانی و بانو

مهندس الیاس ساعی

مهندس سیده نسیم رضوانی

مهندس سیده نفیسه رضوانی

۰۹۱۵۲۴۲۷۵۰

جناب آقای دکتر رحسان بلوردی

ارتقاء شایسته شما را به مقام دانشیاری صمیمانه تبریک می گویم و موفقیت روز افزون برایتان آرزو مندیم

دکتر الهام پیش بین

دکتر محسن ابراهیمی

دکتر مرتضی طالعی

۰۹۱۵۲۴۴۵۲۷۱